

دانشگاه باقر العلوم (ع)

موضوع:

## آسیب شناسی جنبش های اسلامی افغانستان

استاد راهنما:

آقای دکتر محمد ستوده

استاد مشاور:

آقای دکتر بهروز لک

دانشجو:

سید اعرف نقوی

مقطع کارشناسی ارشد علوم سیاسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**چکیده:**

رساله حاضر با استفاده از چارچوب نظری ساختار — محیط و کارکردگرایی و در پاسخ به این پرسش که آسیب ها و چالشهای جنبشهای اسلامی افغانستان از 1357 تا 1380 چه بودند تدوین گردیده و به نتایج و استنباطهای دست یافته است مبنی بر اینکه آسیب ها و چالشهای جنبشهای اسلامی دارای ریشه های تاریخی و به سبب تأثیرپذیری ساختارهای داخلی از محیطهای بیرونی بویژه از سه محیط شرق (پاکستان و هندوستان) شمال (آسیای مرکزی) و غرب (ایران) بوده است و در دوره اشغال افغانستان بوسیله شوروی و برپایی دولت کمونیستی مورد حمایت آن و همینطور در ظهور و پیدایش جنبشهای اسلامی مورد حمایت جمهوری اسلامی و پاکستان و دولتهای غربی و عربی همسو با آن به روشنی و ووضوح بازتاب آن تأثیرپذیری را مشاهده می کنیم.

علاوه بر آنچه بیان شد لازم به ذکر است که جنبشهای اسلامی از سه طیف عمده اسلام گرایان، بینادگرایان و سلطنت طلبان تشکیل شده بودند و این طبقه بندی جنبشهای اسلامی نیز از ساختارهای داخلی و محیط های خارجی متأثر بودند و همین تأثیرپذیری از ساختارهای داخلی و محیط های بیرونی زمینه های تعدد، تکرر، وابستگی و تضاد منافع آنها را فراهم کرده و آنها را در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، تسلیحاتی — نظامی، فرهنگی و اجتماعی دچار آسیب کرده و از همان ابتدای مبارزه آنها را با چالشهای عمده مواجه ساخته بودند اما به دلیل وجود دشمن مشترک (شوروی) چالشها و آسیب ها امکان و مجال بروز پیدا نمی کرد و لی همزمان با خروج نیروهای شوروی بویژه با سقوط دولت کمونیستی در سال 1371 و برطرف شدن تهدید مذکور چالشهای نهفته در پیکره جنبشهای اسلامی بر اثر عدم تجربه سیاسی سران جنبشها و پررنگ شدن منافع قومی، نژادی و کم رنگ شدن محوریت دین و مسایل مذهبی و تحریک حامیان خارجی برای دستیابی به منافع سیاسی بویژه ایجاد دولت همسو با خود به یکباره خود را نشان داده و جنبشهای اسلامی را از دستیابی به اهدافشان یعنی ایجاد حکومت اسلامی مورد قبول همه ملت افغانستان بازداشته و زمینه های اشغال افغانستان بوسیله غریبها بویژه آمریکا را فراهم ساخت.

## فهرست مطالب

6	مقدمه: طرح تحقیق .....
6	بیان موضوع (مسأله): .....
6	علت انتخاب موضوع اهمیت و فایده آن: .....
7	سابقه پژوهش: .....
7	سوال اصلی پژوهش: .....
8	فرضیه‌های پژوهش: .....
8	مفاهیم و متغیرها: .....
8	سوالات فرعی پژوهش: .....
8	پیش فرضهای پژوهش: .....
9	روش پژوهش: .....
9	روش گردآوری اطلاعات و دادهها: .....
9	سازماندهی پژوهش: .....
10	بخش اول: کلیات ، مفاهیم و چارچوب نظری .....
11	فصل اول: مفاهیم و کلیات .....
11	1- آسیب شناسی: .....
11	2. تعریف جنبش: .....
12	2-1. جنبش اجتماعی: .....
13	2-4. جنبش اسلامی .....
17	فصل دوم: چارچوب نظری .....
18	1. نظریه فقدان عصبيت ابن خلدون: .....
19	2- نظریه تطور نسل از مودودی (1903-1997م) ابولا علی مودودی .....
19	3- نظریه گرایش به الگوی استعماری (دکتر کلیم صدیقی) .....
20	4- نظریه محیط - ساختاری (دکتر یوسف قرضای): .....
20	5- نظریه کارکردگرایی: .....
21	نظریه برگزیده: محیط ساختاری - کارکردگرایی: .....
26	بخش دوم: فصل اول: ساختارهای مذهبی و قومی جامعه افغانستان و عوامل محیطی .....
27	1- ساختار قومی و قبیلهای جامعه افغانستان .....
30	1 - پشتونها .....
32	2- تاجیکها .....
32	3- هزاره ها. .....
33	4- ازبکها: .....
36	بخش سوم: جنبشهای اسلامی افغانستان .....
37	مقدمه: .....
	فصل دوم: جنبشهای اسلامی اهل سنت .....
	1. جمعیت اسلامی و اثر پذیری آن از ساختارهای داخلی و محیط بیرونی ... <b>Error! Bookmark not defined.</b>

1. ساختار فکری: **Error! Bookmark not defined.**
2. گرایش سیاسی: **Error! Bookmark not defined.**
3. فرماندهان نظامی قدرتمند: **Error! Bookmark not defined.**
4. ساختار قومی، زبانی ترکیب هواداران و قلمرو جغرافیایی این حزب: **Error! Bookmark not defined.**
2. حزب اسلامی و تأثیر پذیری آن از ساختارهای داخلی و محیط های بیرونی: **Error!**
- گرایش فکری حزب اسلامی **Bookmark not defined.**
- ترکیب اعضاء و هواداران حزب اسلامی **Error! Bookmark not defined.**
3. حرکت انقلابی اسلامی و تأثیر پذیری از ساختارهای داخلی و محیط بیرونی **Error!**
- ساختار قومی و زبانی و تأثیر آنها بر فرایند پیدایش، گسترش و افول این حزب: **Error!**
- حزب اتحاد اسلامی و تاثر آن از ساختارهای داخلی و محیط بیرونی: **Error! Bookmark not defined.**
- گرایشات سیاسی و اعتقادی اتحاد اسلامی و حوزه ی نفوذ آن: **Error! Bookmark not defined.**
5. حزب اسلامی یونس خالص و تأثر آن از ساختارهای داخلی محیط بیرونی **Error!**
- دیدگاه سیاسی، ساختار قومی و موقعیت جغرافیایی این حزب: **Error! Bookmark not defined.**
6. جبهه ی ملی نجات اسلامی و تأثیر پذیری از محیطهای بیرونی و ساختار داخلی **Error!**
- محاذ ملی اسلامی و تاثر آن از ساختارهای داخلی و محیط بیرونی **Error! Bookmark not defined.**
- ترکیب اعضاء و هواداران و حوزه ی نفوذ مردمی این حزب **Error! Bookmark not defined.**
3. جنبشهای جهادی شیعی: **Error! Bookmark not defined.**
1. مقطع پیدایش و تعدد جنبشهای شیعی: **Error! Bookmark not defined.**
1. شورای اتفاق اسلامی **Error! Bookmark not defined.**
1. ساختار شورای اتفاق: **Error! Bookmark not defined.**
2. سازمان نصر و جهاد پاسداران: **Error! Bookmark not defined.**
3. مخالفت واحد نهضت ها با شورای اتفاق: **Error! Bookmark not defined.**
2. حرکت اسلامی افغانستان **Error! Bookmark not defined.**
3. سازمان نصر افغانستان **Error! Bookmark not defined.**
4. پاسداران جهاد **Error! Bookmark not defined.**
5. حزب الله افغانستان **Error! Bookmark not defined.**
6. نهضت اسلامی **Error! Bookmark not defined.**
7. حزب دعوت اتحاد اسلامی **Error! Bookmark not defined.**
8. سازمان نیروی اسلامی افغانستان **Error! Bookmark not defined.**
9. حزب اسلامی رعد افغانستان **Error! Bookmark not defined.**
2. مرحله انسجام، ادغام و اتحاد جنبشهای جهادی شیعه **Error! Bookmark not defined.**

- Error! Bookmark not defined.** ..... حزب وحدت اسلامی
- Error! Bookmark not defined.** ..... بخش چهارم: آسیبهای ساختاری و محیطی
- Error! Bookmark not defined.** ..... جنبشهای اسلامی - جهادی
- Error! Bookmark not defined.** ..... فصل اول: آسیبهای سطح سیاسی
- Error! Bookmark not defined.** ..... 1 - در مقطع اشغال افغانستان
- Error! Bookmark not defined.** ..... 1. دولت‌های کمونیستی حاکم بر افغانستان
- Error! Bookmark not defined.** ..... 2. دولت اتحاد جماهیر شوروی
- Error! Bookmark not defined.** ..... 3. جنبشهای جهادی افغانستان
- Error! Bookmark not defined.** ..... 4. ایالات متحده ی آمریکا
- Error! Bookmark not defined.** ..... 5. عربستان سعودی
- Error! Bookmark not defined.** ..... 6. اهداف و استراتژی پاکستان
- Error! Bookmark not defined.** ..... 7. اهداف جمهوری اسلامی
- Error! Bookmark not defined.** ..... 8. اهداف چین
- Error! Bookmark not defined.** ..... 9. اهداف هندوستان
- Error! Bookmark not defined.** ..... 10. موضع برخی از گروهها و احزاب مذهبی، قومی و برخی از شخصیت‌های خارجی در قبال تجاوز شوروی به افغانستان:
- Error! Bookmark not defined.** ..... 2 - در مقطع پیروزی
- Error! Bookmark not defined.** ..... 1- اتخاذ مواضع و اهداف متعارض:
- Error! Bookmark not defined.** ..... 1-1. اهداف و منافع آمریکا:
- Error! Bookmark not defined.** ..... 1-1. اهداف و منافع سیاسی
- Error! Bookmark not defined.** ..... الف: استقرار دولت مطیع و همسو با خود:
- Error! Bookmark not defined.** ..... ب: سدسازی در برابر موج اسلام گرایی و بنیاد گرایی:
- Error! Bookmark not defined.** ..... پ: محاصره و تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی:
- Error! Bookmark not defined.** ..... ت: تشکیل بلوک منطقه ای و هم سو با غرب:
- Error! Bookmark not defined.** ..... ث: مهار روسیه و چین:
- Error! Bookmark not defined.** ..... 2-1. منافع و امتیازات اقتصادی شرکت های نفتی آمریکا:
- Error! Bookmark not defined.** ..... 1-3. اهداف و منافع پاکستان در برهه پیروزی جنبشهای جهادی:
- Error! Bookmark not defined.** ..... الف: اهداف و منافع سیاسی:
- Error! Bookmark not defined.** ..... 1- بحران تاریخی پشتونستان:
- Error! Bookmark not defined.** ..... 2- مقابله با نفوذ رو به رشد ایران در افغانستان:
- Error! Bookmark not defined.** ..... 3- رقابت با هندوستان:
- Error! Bookmark not defined.** ..... 4- هم سوئی با غرب به ویژه آمریکا:
- Error! Bookmark not defined.** ..... ب: اهداف و منافع اقتصادی:
- Error! Bookmark not defined.** ..... 1 - 4. منافع و اهداف عربستان
- Error! Bookmark not defined.** ..... 1-4. اهداف و منافع جمهوری اسلامی
- Error! Bookmark not defined.** ..... 1-5. اهداف و منافع هند:
- Error! Bookmark not defined.** ..... 1 - 6. منافع و مواضع روسیه:

- Error! Bookmark not defined.** ..... 7-1. اهداف و مواضع و منافع جنبشهای جهادی:
- Error! Bookmark not defined.** ..... 2- وابستگی جنبشهای جهادی به محیط های بیرونی:
- Error! Bookmark not defined.** ..... 3- فقدان رهبری واحد سیاسی
- Error! Bookmark not defined.** ..... 4- انحصار طلبی و تمامیت خواهی سیاسی:
- Error! Bookmark not defined.** ..... 5- نداشتن تجربه سیاسی:
- Error! Bookmark not defined.** ..... 6- تأکید بر تمایلات سیاسی خاص:
- Error! Bookmark not defined.** ..... 7- عدم توفیق در ایجاد دولت وحدت ملی
- Error! Bookmark not defined.** ..... فصل سوم:
- Error! Bookmark not defined.** ..... آسیب های سطح فکری - فرهنگی
- Error! Bookmark not defined.** ..... 1- نفوذ اندیشه های بیگانه در ساختارهای داخلی:
- Error! Bookmark not defined.** ..... 2- نهاد های آموزشی - تربیتی وابسته
- Error! Bookmark not defined.** ..... 3- منابع فکری و فرهنگی جنبشهای جهادی:
- Error! Bookmark not defined.** ..... 4- تعارضات و تفاوت های ایدئولوژیکی جنبشهای اسلامی
- Error! Bookmark not defined.** ..... اخوانیسم:
- Error! Bookmark not defined.** ..... وهابیسیم:
- Error! Bookmark not defined.** ..... سلطنت طالبان:
- Error! Bookmark not defined.** ..... دیوبندیسم:
- Error! Bookmark not defined.** ..... جنبشهای شیعی:
- Error! Bookmark not defined.** ..... الف: خمینی گراها:
- Error! Bookmark not defined.** ..... ب: طرفداران خوبی و شریعتمداری:
- Error! Bookmark not defined.** ..... فصل چهارم: آسیبهای سطح اقتصادی و نظامی
- Error! Bookmark not defined.** ..... 1- وابستگی اقتصادی و تسلیحاتی جنبشها به محیطهای بیرونی
- Error! Bookmark not defined.** ..... **defined.**
- Error! Bookmark not defined.** ..... 2- فقدان رهبری واحد نظامی در ساختارهای داخلی
- Error! Bookmark not defined.** ..... 3- انحصار طلبی در عرصه های نظامی، اقتصادی و آموزشی
- Error! Bookmark not defined.** ..... **defined.**
- Error! Bookmark not defined.** ..... 4- تأکید بر تحقق گرایشات خاص نظامی
- Error! Bookmark not defined.** ..... فصل پنجم: آسیبهای سطح اجتماعی
- Error! Bookmark not defined.** ..... 1- ثبات و امنیت اجتماعی:
- Error! Bookmark not defined.** ..... 2- جنگهای داخلی و غارت مردم:
- Error! Bookmark not defined.** ..... نتیجه گیری و جمع بندی نهایی
- Error! Bookmark not defined.** ..... منابع:

**مقدمه: طرح تحقیق****بیان موضوع (مسأله):**

تاریخ سیاسی و اجتماعی افغانستان از سال 1357 تا 1380 وارد مرحله پرفراز و نشیبی گردید زیرا کمونیست های افغانی بر علیه دولت داود خان دست به کودتا زدند و با حمایت ارتش سرخ شوروی سیطره و سلطه خود را بر این کشور گستراندند در این اوضاع و احوال مبارزین مسلمان اعم از (شیعه و سنی) با تشکیل گروه های به مقابله به دولت کودتایی و ارتش اشغالگر پرداخته و در مدت چهارده سال مقاومت توانستند به برخی از اهداف خود پیروزی بر ارتش سرخ و نابود دولت کودتایی دست یابند.

اما در فردای پیروزی جنبشها گروه های جهادی و اسلامی دچار اختلاف شده و نتوانستند بر سر تشکیل مهمترین هدف مشترک یعنی تشکیل حکومت اسلامی مطلوب و مورد پذیرش و قبول همگان به توافق برسند. و در این راستا همه انتظارات و توقعات داخلی و جهانی را به نوبتی مبدل ساختند لذا در این رساله تلاش خواهیم نمود تا مهمترین آسیبها و ضعف های نیروهای جهادی را که مانع نیل به اهدافشان شده اند را مشخص سازیم که چه عواملی بوده اند.

**علت انتخاب موضوع اهمیت و فایده آن:**

علاقه به پژوهش درباره جنبشهای اسلامی در افغانستان و مطالعه در مورد رسیدن اهداف جنبشهای مذکور همواره مورد توجه من بوده است و پس از ناکار آمدن جنبشهای مذکور سؤالات متعددی مطرح گردید. که چرا و چگونه پس از تحمل هزینه های زیاد مقاومت گسترده و تقدیم انسانهای پاک در راه نیل به اهداف نیروهای جهادی افغانستان نتوانستند به اهداف مورد نظر دست یابند و مهمترین هدف که ایجاد حکومت اسلامی در افغانستان بود بدست نیامد به نظر می رسد که بررسی ضعفها و آسیب های جنبشهای اسلامی در این کشور می تواند ضمن بررسی سابقه حرکت اسلامی ما را به نقاط قوت و ضعف آنها بیشتر آشنا



سازد و راههای استفاده بیشتر از فرصتها را برای ما فراهم سازد.

### سابقه پژوهش:

درباره منابع مربوط به آسیبهای جنبشهای اسلامی در افغانستان می توان دو دسته از آنها اشاره نمود:

الف) منابع عمومی که عمدتاً درباره افغانستان، نهضتها و جنبشها و تاریخ مداخلات دولت های بیگانه و به ویژه قدرتهای بزرگ استعماری در افغانستان نوشته شده است. در این دسته برخی از آنها عبارتند از: افغانستان در پنج قرن اخیر نوشته میر محمد صدیق.

فرهنگ و افغانستان، سرزمین و مردم آن، نوشته کلیفوردمری لوئیس و امثال آنها که این کتابها می تواند در تدوین رساله بطور مستقیم مؤثر باشند.

ب) منابع اختصاصی و مربوط به رساله که به طور مستقیم مربوط به رساله است که می تواند در انجام و تدوین و تألیف رساله اطلاعات مفیدی ارائه کند. اما با تحقیقات و مطالعاتی که انجام شد منابع مربوط به آسیبهای جنبش های اسلامی افغانستان بطور پراکنده و غیر منسجم می باشد و عمدتاً به ظهور آنها اشاره کرده اند و نه ضعفهای آنها نظیر کتاب افغانستان - اسلام و نوگرایی سیاسی اثر اولیورروا، ترجمه سروقد مقدم و نیز کتاب جنبشهای اسلامی افغانستان نوشته سیدهادی خسروشاهی که به بحث نهضتها و معرفی آنها پرداخته اما به آسیبها اشاره ای نکرده است.... لذا تحقیق حاضر بدنبال آن است که ادبیات مربوط به آسیبهای جنبش های اسلامی در افغانستان را غنی ساخته و بصورت همه جانبه به بررسی آن پردازد.

### سوال اصلی پژوهش:

مهمترین آسیبها و چالش های جنبشهای اسلامی افغانستان در فاصله ی سالهای

1357-80 در جهت نیل به هدف چه بود؟

**فرضیه‌های پژوهش:**

مهمترین آسیبها و چالش‌های جنبش‌های اسلامی در افغانستان را می‌توان: فقدان رهبری واحد و تعصبات قومی و قبیله‌ای و وابستگی به دولت‌ها و قدرتهای خارجی نام برد.

**مفاهیم و متغیرها:**

تعصبات قومی: یعنی گرایشهای شدید و افراطی قومدارانه و بدور از حقیقت.  
فقدان رهبری: یعنی نداشتن رهبری واحد و مورد قبول همه با اکثریت مردم و گروهها و اقوام و مذاهب  
آسیبها و چالش‌ها: عوامل و عناصر مؤثر بر شکستها و عدم موفقیت جنبشهای مذکور

**سوالات فرعی پژوهش:**

1. چه دیدگاه‌ها و نظریاتی درباره آسیب‌شناسی جنبشهای اسلامی وجود دارد؟
2. ساختارهای مذهبی و قومی جامعه افغانستان چه آسیب‌هایی را برای جنبشهای اسلامی ایجاد نموده است؟
3. جنبشهای اسلامی افغانستان کدامند و دارای چه ساختارهایی هستند؟
4. آسیب‌های ساختاری و محیطی جنبشهای اسلامی - جهادی افغانستان کدام‌اند؟

**پیش‌فرضهای پژوهش:**

جنبش‌های اسلامی در افغانستان در فاصله سالهای (70-1357) در دستیابی به اهداف مورد نظر خود موفق نبوده‌اند.

**اهداف پژوهش:** (شامل اهداف عملی، کاربردی و ضرورت‌های خاص انجام پژوهش):

مطالعه و بررسی آسیبهای جنبش‌های اسلامی در افغانستان بصورت منظم و منسجم مورد نظر می‌باشد بگونه‌ای که بتوان به یک مخرج مشترک و قواعد نسبتاً قابل قبول ضعف آنها دست یافت. تا از طریق آن بتوان هرچه بیشتر از امکانات و فرصتهای موجود برای نیل به اهداف استفاده نمود.

روش پژوهش: توصیفی، تحلیلی، تاریخی می‌باشد.

### روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها:

روش این رساله کتابخانه‌ای است.

### سازماندهی پژوهش:

بخش اول: کلیات و مفاهیم نظری، آسیب‌شناسی جنبشهای اسلامی مورد بحث قرار می‌گیرد.

بخش دوم: این بخش در دو فصل 1. اثر پذیری تحولات تاریخی از ساختارهای داخلی و محیط بیرونی 2. ساختارهای قومی و مذهبی و اثرپذیری از محیطهای بیرونی و ساختارهای داخلی مورد بحث قرار گرفته و ارائه می‌گردد.

بخش سوم: معرفی جنبشهای اسلامی شامل: 1. پیشینه جنبشهای اسلامی 2. جنبشهای اسلامی اهل سنت 3. جنبشهای شیعی

بخش چهارم: آسیب شناسی جنبشهای اسلامی شامل: 1. آرمانهای جنبش جهادی 2. دستاوردهای جنبش‌های اسلامی 3. آسیب شناسی جنبش‌های اسلامی در دوره اشغال (عوامل داخلی و خارجی)

4. آسیبهای سیاسی جنبش‌های اسلامی

5. آسیبهای فکری، فرهنگی، و ایدئولوژی

6. آسیبهای اقتصادی، نظامی، اجتماعی

نتیجه گیری و جمع‌بندی مطالب می‌باشد.



## **بخش اول:**

**کلیات ، مفاهیم و چارچوب نظری**

## فصل اول:

### مفاهیم و کلیات

#### ۱- آسیب‌شناسی:

واژه آسیب‌شناسی از علوم پزشکی به علوم اجتماعی وارد شده و به معنای «مبحث مطالعه علل بیماری و عوارض و علایم غیرعادی» می‌باشد.<sup>۱</sup>

برخی دیگر تعریف گسترده‌ای را برای آن آورده و گفته است که موضوع آسیب‌شناسی دردها و نابسامانی‌های اجتماعی، مسایل مربوط به نقش و آثار جرایم و جنایات، فقر و اعتیاد، فحشاء و الکسیم، خودکشی و نابسامانی، خصومت گروه‌ها و طبقات، آثار و عوارض اختلالات روانی در جامعه، تبعیض‌ها، پیشداوریها، کشمکش‌های اجتماعی، صور و اشکال انحراف، علل و عوامل پیدایش و تشدید آن و راههای پیشنهادی برای پیشگیری و درمان آنهاست.<sup>۲</sup>

برخی دیگر این واژه را به صورت ترکیبی آسیب‌شناسی اجتماعی بیان کرده‌اند. و در تعریف آن آورده است مطالعه بی‌سازمانیهای آسیب‌های اجتماعی نظیر فقر، بیکاری، تبهکاری و... همراه با علل و عوامل و شیوه‌های درمان آنان و همچنین شرایط بیمار گونه و نابهنجار اجتماعی است این مفهوم دارای گستره‌ای بسیار وسیع بوده و از ابعاد ارزشی فراوانی نیز برخوردار است.<sup>۳</sup>

#### ۲. تعریف جنبش:

در این فراز به تعریف جنبش، انواع جنبش و جنبش اسلامی می‌پردازیم زیرا ما را در تبیین موضوع بحث رساله کمک کرده و درک و فهم مطالب و نیز ارتباط و پیوند فصول و

1 عباس و منوچهر آریانیور. فرهنگ دو جلدی دانشگاهی انگلیسی - فارسی ج 2 ص 1569

2 علی قائمی. آسیب‌شناسی اجتماعی، انتشارات امیری، چاپ بهرام، 1370، ص 22.

3 باقر ساروخانی. دایرة المعارف علوم اجتماعی. Social pathology، موسسه کیهان، 1370، ص 116.

بخشها را برای مخاطب تسهیل و آسان می‌گرداند به‌رحال «جنبش» عبارت است از «حرکت با رفتار گروهی نسبتاً منظم و بادوام برای رسیدن به هدف اجتماعی - سیاسی معین و براساس نقشه معین که ممکن است انقلابی یا اصلاحی باشد.»<sup>۱</sup>

## ۱-۲. جنبش اجتماعی:

آنتونی گدنز در جامعه‌شناسی جنبش اجتماعی را بدین گونه تعریف کرده است: جنبش اجتماعی را می‌توان کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک، یا تأمین هدفی مشترک از طریق عمل جمعی خارج از حوزه نهادهای رسمی تعریف کرد.<sup>۲</sup>

نهضت اجتماعی یا جنبش اجتماعی: تلاش سنجیده، مداوم و متمرکز یک گروه اجتماعی برای رسیدن به هدفهای مشترک نظیر اصلاح، حفظ تغییر یا از بین بردن نظام اجتماعی موجود می‌باشد. در جریان جنبشهای اجتماعی و انقلابی معمولاً دو الگوی رفتاری دیده می‌شود که یکی بر محور فرد و خودگرایی می‌چرخد و دیگری بر جمع‌گرایی و با محوریت اجتماع شناخته می‌شود. در الگوی نوع اول، فردی که در درون جنبش اجتماعی قرار دارد، علی‌رغم پذیرش کلی و لفظی اصول و موازین درست، در عمل به دنبال اهداف شخصی مثل شهرت و مقام، خود نمایی، انتقام جوئی و غلبه بر رقیب و کسب منافع مادی و معنوی است، ولی این مقاصد را در زیر پوششی از تظاهرات صوری اصولی و تشکیلاتی پنهان می‌دارد. در الگوی رفتاری نوع دوم، هدف و محور اصلی عبارت است از تأمین پیروزی و موقعیت جمع، بدون در نظر گرفتن منافع شخصی.<sup>۳</sup>

شناخت این دو الگوی رفتاری در جنبشهای اجتماعی برای پیشرفت و توفیق آنها دارای اهمیت و جایگاه ویژه و حیاتی و بنیادی می‌باشند و اگر هواداران و اعضاء و حتی مخالفین جنبش‌ها به این تمایز دست‌نابند این امر جنبش‌ها را در دستیابی اهدافشان و مخالفین آنها را

1 علی آقا بخشی ، فرهنگ علوم سیاسی، انتشارات مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، 1374، ص 213.

2 آنتونی گیدنز، انتشارات تهران، ترجمه منوچهر صبوری، ص 672.

3 آقا بخشی ، همان ص 317

در عدم دستیابی جنبش مساعدت می‌کنند.

## ۴-۲. جنبش اسلامی

برای شناخت جنبش یا جنبش‌های اسلامی ناگزیریم که از تعابیر و تعاریف دینی و اسلامی که بیانگر هویت اعضاء جنبش و نیز بیانگر ماهیت و چیستی جنبش و تبیین‌کننده علل و خاستگاه و اهداف و مقاصد باشند که جنبش و پدید آوردندگان و اعضاء و هواداران آنها در صدد دستیابی به آنها می‌باشند. که در واقع متمایز کنند این جنبش با سایر جنبشها نیز می‌باشند.

لذا ما تعریف دکتر کلیم صدیقی درباره جنبش اسلامی را می‌آوریم وی می‌نویسد: نهضت اسلامی به آن بخشی از امت اطلاق می‌شود که امکانات و منابع معنوی، فکری، مادی، و انسانی خود را در جهت تأسیس حکومت اسلامی بسیج می‌نماید.<sup>۱</sup>

درباره جنبشها و از جمله جنبشهای اسلامی یادآوری این نکته ضروری است. یک جنبش لزوماً یک حزب با سازماندهی و رهبری واحد نیست. یک جنبش معمولاً به علت گستردگی افکار و عقاید، طیف وسیعی از مردم را در خود جای می‌دهد و غالباً به ایجاد انواع گروههای نسبتاً آشکار سیاسی در درون خود گرایش دارد.<sup>۲</sup> و مادر تاریخ اسلامی و در کشورهای مسلمان و در میان مذاهب اسلامی شاهد وقوع و ظهور انواع و اقسام گوناگونی از جنبشها بوده و هستیم که اندیشمند برجسته جهان اسلام شهید مطهری و دیگران به این دسته‌بندی و طبقه‌ی اشاره کرده‌اند وی در ابتدا جنبش اسلامی را بصورت کلی به سه دسته کلی تقسیم کرده.

الف: جنبش اصلاح طلب واقعی: که حقیقتاً بدنبال اصلاح بوده‌اند.

ب: جنبش اصلاح طلب غیر واقعی (افسادگرا) اصلاح را بهانه قرار داده است.

1 کلیم ، صدیقی : نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران ، ترجمه سید هادی خسروشاهی، انتشارات مؤسسه اطلاعات، 1375، ص 107.

2 تام باتامور. جامعه شناسی سیاسی با ترجمه منوچهر صبوری ص 56

پ: جنبش اصلاحی - انحرافی. در آغاز اصلاحی و سرانجام از مسیر منحرف شده است.

شهید مطهری سپس درباره جنبشهای اصلاحی اسلامی سخن گفته و آن را نیز به سه دسته کلی تقسیم می‌کند که عبارتند از:

الف: جنبشهای اصلاحی فکری

ب: جنبشهای اصلاحی اجتماعی

پ: جنبشهای اصلاحی فکری - اجتماعی، همچنین ایشان نهضت‌های اسلامی در جهان اسلام را به دو دسته‌ای کلی:

الف: جنبشهای اسلامی پیشرو - نظیر نهضت علویان و غزالی و تنباکو و مشروطه

ب: جنبشهای اسلامی ارتجاعی و واپسگرا نظیر نهضت اشعری و وهابی.<sup>۲</sup>

بهر حال جنبشهای اسلامی افغانستان بر اساس طبقه‌بندی دیودآبرل جزو جنبشها دگرگون‌ساز و رستگاری بخش قرار می‌گیرند زیرا خواستار دگرگونی‌ها سریع و عظیمی در سطح جامعه بوده و نیز خواهان نجات اعضاء و افراد جامعه افغانستانی از زندگی منحط و آلوده کمونیستی و الحادی و شرک‌گرایانه و ضد توحیدی و ماده‌گرایانه بودند.

و همین‌گونه جنبشهای مذکور براساس دسته‌بندی و طبقه‌بندی شهید مطهری را می‌توان جزء جنبشهای اصلاحی - انحرافی و نیز جزو جنبشهای فکری و اجتماعی و از جنبشهای پیشرو به حساب آورد هرچند بعد از پیروزی و بنابه دلایلی که بعداً خواهیم آورد کل جنبشهای اسلامی و برنامه و مقاصد و اهدافشان بر اثر انحرافات ایجاد شده زیر سؤال رفت و جنبشهای مذکور از دستیابی به اهدافشان بازمانده و تمامی افتخارات قبل از پیروزی را چوب حراج زدند. جنبش اسلامی بویژه جنبش‌های اسلامی در صد سال اخیر در تمامی

1 مرتضی مطهری: نهضت‌های اسلامی صدساله اخیر، انتشارات صدرا، 1385، ص 12-15

2 مرتضی مطهری: نهضت‌های اسلامی صدساله اخیر ص 12-15



کشورهای اسلامی و از سوی هر یک از مذاهب شیعی و سنی در یک امر بنیادی و محوری دارای اشتراک هستند و آن همانا احیای قوانین و ارزشهای اسلامی است.

اما براساس این که این قوانین و ارزشها دارای چه ماهیتی باشد و شیوه‌های و روشهای اتخاذ شده برای احیاء، ترویج، حفظ و گسترش آنها برچه اصول و بنیادهای استوارند و از کدامیک تبعیت می‌کنند. گرایش‌ات و تمایلات گوناگونی در جنبشهای اسلامی و گاهاً متضادی را ما شاهد هستیم زیرا یکی به شیوه سنتی خواستار احیاء قوانین و ارزشهای اسلامی است و جنبش دیگر به روش نوگرایی و به روزکردن آنها خواستار احیاء بوده و سومی از طریق اصلاح طلبی و چهارمی از راه انقلابی، پنجمی با اتکا به بیگانگان و ششمی با اتکاء به امت اسلامی و بصورت مستقل و برخی دیگر از طریق ترور و ایجاد رعب و وحشت و در مقابل دیگران از طریق دعوت و راههای مسالمت آمیز و صلح و دوستی و...خواستار احیاء قوانین و ارزشها و اصول اسلامی بوده و هستند.

به هر حال با توجه به مطالبی که درباره جنبش و جنبشهای اسلامی آورده شد. ما جنبش اسلامی را بدین گونه تعریف می‌کنیم: جنبش اسلامی عبارت است از تلاش دسته جمعی و گروهی اسلام‌گرایان برای تحقق عملی احکام و ارزشهای اسلامی در تمامی ابعاد از طریق دستیابی به حاکمیت و قدرت سیاسی.<sup>1</sup>

به هر حال رساله پیش‌روی شما مشکلات، آسیب‌ها، چالشها و ضعف‌های جنبشهای اسلامی افغانستان را مورد بررسی قرار داده است زیرا تاکنون در این باره پژوهشی جامع علمی و تحقیقی نه در افغانستان صورت گرفته و نه در ایران بنابراین امید می‌رود پژوهش حاضر که یک تلاش ناچیز و اندک اما لازم و ضروری در این مسیر محسوب می‌شود بتواند باب تحقیق پژوهش و نقادی‌های جامع‌تر و عمیق‌تری را در خصوص این موضوع افتتاح

1 برای مطالعه بیشتر به کتب ذیل مراجعه شود. 1. نهضت‌های سیاسی، دینی ایران، دکتر سید کاظم روحانی 2.

اندیشه اصلاحی در نهضت‌های اسلامی. محمد جواد صاجی، 3. جنبشهای اسلامی معاصر، دکتر موثقی و....

کرده و بگشاید.

اما سؤالی اصلی که در این پژوهش مطرح است و نگارنده درصدد پاسخ دادن به آن برآمده و اقدام کرده است عبارت است از: مهمترین آسیب‌ها و چالش‌های جنبش‌های اسلامی افغانستان در فاصله سالهای 1380—1357 چه بودند؟ برای بررسی این سؤال و ارائه پاسخی مناسب، علمی و پژوهشی به این پرسش منابع متعدد و گسترده‌ای به نگارش درآمده درباره آنها از سودی نویسنده‌گان و تحلیل‌های تحلیل‌گران و کارشناسان متعدد و با گرایش‌های مختلف مورد تتبع، تحقیق و ارزیابی قرار گرفته است امید است که خوانندگان را به خوبی و با سهولت و بطور آشکار باریشه مشکلات و آسیب‌ها و چالش‌های مطرح و نهفته و موجود در جنبش‌های اسلامی که موجبات ناکارآمدی آنها را فراهم کرد آشنا گرداند.

## فصل دوم:

## چارچوب نظری

پژوهش و تحقیق درباره مسایل و رویدادهای سیاسی و اجتماعی و... بر مبنای تئوری‌ها و فرضیه‌های علمی امروزه در دانشگاه‌های سراسر دنیا و محافل علمی - پژوهشی یک پدیده و مقوله رایج و پذیرفته شده و نهادینه به حساب می‌آید بدین خاطر که استفاده از روش و متدوتئوری یک شیوه پرفایده و ثمر بخش و دارای پیامدها و نتایج و دستاوردهای مثبت در مطالعات و پژوهشها ارزیابی شده است زیرا استفاده از چارچوب‌های مطالعاتی توانایی‌هایی پژوهشگر را افزایش داده و وی را در کشف، استنباط و استخراج روابط و مناسبات میان داده‌ها و پدیده‌ها قادر و توانمند ساخته و حتی وی را در پیش بینی احتمالات و رویدادهای آینده آماده می‌سازد و این پیش بینی جلو وقوع و تحقق بسیاری از پیشامدهای ناگوار را گرفته و بسترها و زمینه‌های لازم برای تحقق و وقوع بسیاری از پیشامدها و رویدادهای دارای نتایج و پیامدهای مثبت و دارای منافع و مصالح برای جامعه و افراد را فراهم می‌آورد. با این وجود انتخاب یک چارچوب نظری از میان تئوری‌های مطرح شده از سوی اندیشمندان و تطبیق موضوع پژوهشی اخذ شده با آن نظریه کاری است بس دشوار و مشکل به ویژه اگر موضوع پژوهش از موضوعاتی باشد که دارای پیشینه مطالعاتی کار نشده و خام باشد که در این صورت مشکل به گونه مضاعف خودنمایی خواهد کرد و موضوع جنبش اسلامی و به ویژه موضوع رساله حاضر یعنی آسیب شناسی جنبشهای اسلامی در افغانستان جزو موضوعاتی تحقیقاتی و مطالعاتی است که دارای این ویژگی یعنی موضوع بدون پیشینه مطالعاتی و کارنشده می‌باشد. هر چند جنبش‌های اسلامی از زمان سید جمال در کشورهای اسلامی و از جمله افغانستان مطرح بوده و سابقه طولانی در مسایل سیاسی دارد اما پیدایش جنبشهای اسلامی و نیز ریشه‌یابی عوامل پیدایش آنها و همچنین ارزیابی از موفقیت‌ها و شکستهای آنها و به گونه علمی مورد توجه پژوهشگران و محافل دانشگاهی

قرار نگرفته است و بدین خاطر ممکن است طرح این موضوع در قالب فرضیه‌ها و چارچوب‌های که ارائه خواهند شد از استحکام علمی لازم و متقن برخوردار نباشند. با این وجود جا دارد و پسندیده به نظر می‌رسد که مباحث نظری و تئوریک مربوط به این موضوع ارائه شده و ارزیابی عملی از آنها به عمل آیند تا بدین صورت و به گونه عملی و کاربردی استحکام و انقار و همخوانی و تطبیق مطالب و مسایل مربوط به آسیب‌شناسی جنبش‌های اسلامی در افغانستان با نظریات و تئوریه‌ها و چارچوبه‌های توانایی آنها در تبیین و تشریح مطالب و مباحث مربوط به موضوع را مشخص و معین نموده و بیازماییم و در صورت عدم توفیق راه را برای عرضه نظریات و چارچوبه‌های مناسب‌تر و دقیق‌تر باز نماییم.

از این رو مناسب و بجا است که قبل از بررسی و تحقیق درباره آسیب‌ها و شناسایی آنها در جنبش‌های اسلامی افغانستان و نیز قبل از معرفی جنبش‌های مذکور قدری از افتخار آفرینی‌های آنها در دوره اشغال افغانستان توسط شوروی‌ها و جهاد چهارده ساله این ملت در کار حیرت‌انگیز شکست اشغالگران به چارچوب‌های مطالعاتی و نظریات مربوطه به آسیب‌شناسی جنبش‌های اسلامی افغانستان اشاره شود و سپس براساس یک مدل از مدل‌های که خواهد آمد آسیب‌های جنبش‌های اسلامی در افغانستان مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

### ۱. نظریه فقدان عصبیت ابن خلدون<sup>۱</sup>

وی معتقد است که دولت یک پدیده پویا و در حال تکامل است و پنج مرحله 1 - استقرار 2 - خودکامگی 3 - عظمت 4 - آرامش 5 - پریشانی را سپری می‌کند همانطوری که درباره تمدن‌ها نیز معتقد به سپری کردن پنج مرحله است. وی برای عنصر عصبیت اهمیت ویژه‌ای قایل بود و به همین دلیل می‌گفت در صورت زوال و ضعف و از بین رفتن این عنصر زمینه‌ها و بسترهای لازم برای انحطاط و زوال حکومتها و تمدن‌ها فراهم می‌گردند. از نظر وی عوامل تضعیف‌کننده عنصر عصبیت در واقع عوامل آسیب‌زا و عوامل دردها و شکست‌ها و

1 . عبدالرحمان ابن خلدون، مقدمه، ج اول، ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ هفتم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران،

چالشها در افراد، جامعه و دولتها و تمدنها می باشند که از عوامل ذیل ترکیب یافته اند:

- 1 - تشکیل دولت 2 - شهرنشینی 3 - عدم رعایت دین و اصول اخلاقی 4 - مالیات و خراجگذاری 5 - سلطه و سیطره سیاسی و فرهنگی 6 - تجهّل خواهی و دنیاطلبی 7 - انتقال از زندگی دامداری به کشاورزی 8 - اختلاط و آمیختگی ملت عرب با غیر عرب 9 - افول طبیعی عصبیت.

## ۲- نظریه تطور نسل از مودودی (۱۹۰۳-۱۹۹۷م)<sup>۱</sup>

### ابولا علی مودودی

وی در تحلیل نهضت اسلامی می گوید: هر نهضت و جنبشی که در دنیا به وجود می آید... تنها کسانی به آن می پیوندند که از لحاظ فکری با اهداف و اصول آن کاملاً یگانگی داشته باشند و آرمانهای نهضت را به خود جذب نمایند... نسل اول از اعضای جنبش با تمام وجود و در تمام ابعاد در طریق دفاع از آرمانهای جنبش به فداکاری می پردازند... اما پس از سپری شدن نسل اول نسل دیگری که از لحاظ تعهد باطنی در سطح نسل اول نیست روی کار می آیند اعضای جنبش در این مرحله به دو دسته 1 - افراد مومن به اهداف جنبش و 2 - افراد غیر مومن به اهداف جنبش تقسیم می شوند. که نسل دوم وفاداری کمتری را به جنبش از خود نشان می دهد. وی برای حفظ جنبش از فروپاشی دو استراتژی 1 - تصفیه عناصر ناسازگار از درون جنبش و 2 - جذب افراد جدید با تبلیغ و دعوت به جنبش را مطرح می کند که انتخاب هر دو استراتژی پیامدهای ناخوشایندی را برای جنبش رقم می زند...

## ۳- نظریه گرایش به الگوی استعماری (دکتر کلیم صدیقی)<sup>۲</sup>

1 . نقل از اکرم عارفی، جنبش اسلامی پاکستان، انتشارات بوستان کتاب قم، 1382، ص 30.

2 . کلیم صدیقی، نهضت های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، موسسه اطلاعات، تهران، 1375، ص 66.

وی علت اساسی شکست جنبش اسلامی... را به دلیل نفوذ دانش سیاسی استعماری «ناسیونالیستی» به پیکره این جنبش و تقلید و تأثیرپذیری جنبش‌های اسلامی از دانش مذکور و نیز دوری از اسلام و دانش اسلامی می‌داند...

#### ۴- نظریه محیط - ساختاری (دکتر یوسف قرضاوی):<sup>۱</sup>

وی آسیب‌ها و چالش‌های جنبش‌های اسلامی را ناشی از دو عامل عمده و اساسی می‌داند:

الف) عامل محیطی: وی معتقد است که در دنیای معاصر به سبب سیطره نظام‌های سکولار و استبدادی زمینه مناسب برای رشد و بالندگی جنبش اسلامی فراهم نیست زیرا در محیط داخلی کشورهای اسلامی ضعف فکری - فرهنگی قدرت تحلیل صحیح امت اسلامی در شناخت جنبش اسلامی و دشمنان آن و نیز شناخت اسلام اصیل از اسلام تحریف شده را کاملاً از بین برده است و از طرف دیگر فشارهایی را که نظام‌های سکولاریسم جامعه اسلامی اعمال می‌کند نوعی از خود بیگانگی را در مسلمانان به وجود آورده است در کنار این دو عامل فرهنگی و سیاسی عامل درونی و روانی نیز در تداوم سلطه نظام‌های غیردینی و ناکامی جنبش اسلامی موثر بوده است.

ب) جنبش‌های اسلامی علاوه بر تأثیرپذیری از آسیب‌های محیطی و بیرونی با چالش‌های مهم و جدی دیگری که به ساختار جنبش‌ها مربوط می‌شد نیز دست به گریبان بودند، نظیر برداشتهای ناقص از دین، نفی عقلانیت، روابط ناسالم اجتماعی، جمود، فقدان روح علمی، واگرایی درونی و ضعف برنامه ریزی و...

#### ۵- نظریه کارکردگرایی:<sup>۲</sup>

پارسونز آن را این گونه تعریف کرده است: یک کارکرد: مجموعه فعالیت‌هایی است که در جهت برآوردن یک نیاز با نیازهای نظام می‌گیرد. و یا: مطالعه کارکرد یک شیوه عملی یا نهاد اجتماعی عبارت است از تحلیل سهمی که آن شیوه عمل یا نهاد در دوام جامعه به طور

1. یوسف القرضاوی، اسلامی نظام کی قیام کاراسته، ترجمه به اردو، محمد طفیل انصاری، ص 102، نقل از عارفی.

2. جرج ریترز، نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، ص 131.

کلی دارد.

### نظریه برگزیده: محیط ساختاری - کارکردگرایی<sup>۱</sup>

با توجه به آنچه که درباره نظریات پنجگانه پیشین گفته شده اعم از تعریف شناسایی و نقد و بررسی آنها اینگونه استیاط می‌گردد که آسیب شناسی جنبشهای اسلامی افغانستان در قالب نظری هیچ یک از آنها بصورت کامل و همه جانبه امکان پذیر نبوده و حق مطلب را اداء نمی‌کند. زیرا نظریه فقدان عصیبت ابن خلدون تنها بر عصیبت خونی و قومی و فامیلی اعتلاو و انحطاط اقوام و... را مورد بررسی قرار داده و از دیگر عوامل بصورت ثانوی و فرعی یاد کرده و نقشی را برای آنها در نظر نگرفته بود. و این دیدگاه نمی‌تواند آسیب شناسی جنبشهای اسلامی افغانستان را به خوبی و به صورت علمی و منطقی بازتاب داده و تبیین نماید زیرا در افغانستان ساختار قبایلی و عصیبت خونی به ویژه در میان اقوام تاجیک و هزاره و ازبک تا حدود زیادی از بین رفته است هر چند که ساختار قبیله ای در میان قوم پشتون و به ویژه در میان پشتون های کوچی هنوز دارای اهمیت بوده و بر نقش عصیبت قومی و خونی و قبیله ای تأکید می‌گردد. با این وجود عصیبت در میان پشتونهای شهر نشین و تا حدودی در میان سایر پشتون ها جایگاهش را از دست داده است و اگر هم نقش را از دست نداده باشد دیگر زمینه ها و شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به گونه ای است که امکان اعمال عصیبت های قبیله ای و قومی وجود ندارد و علاوه بر آن در جوامع افغانی و به ویژه در میان پشتونها مدت‌های مدیدی است که دین و مذهبی یعنی عصیبت و پیوستگی دینی و مذهبی جایگاه عصیبت قومی و نژادی را اشغال کرده و به ویژه در برابر تهدیدات غیر دینی نقش محوری را به خود اختصاص داده است هر چند که در ستیزه های قومی داخلی عصیبت قومی نقشش را بصورت برجسته تر و پر رنگتر نشان داده است نظیر جنگهای داخلی میان گروههای جهادی بعد از پیروزی بر کمونیستها در سال 1371 تا

1. ر.ک: آنتونی گی‌دنز، جامعه شناسی، مترجم منوچهر صبوری، تهران، چاپ دوم، 1374.

1380 که عصبیت قومی در این جنگها نقش بیشتری را برعهده داشت در حالیکه در مقطع درگیری با کمونیستها یعنی از 1357 تا 1370 تقریباً از عصبی قومی هیچ نشانی نبود و نقش اصلی و محوری را عصبیت دینی و مذهبی بر عهده داشته و نقش آفرینی می کرد. پس نظریه ابن خلدون به خاطر تأکید بر عصبیت قومی و نیز به خاطر تأکید بر عامل واحد و غفلت از دیگر عناصر و عوامل توانایی تبیین آسیبهای جنبش اسلامی در افغانستان را ندارد هرچند که برخی از عواملی که وی بعنوان عوامل زایل کننده عصبیت از آنها نام می برد، نظیر تجمل پرستی و مالیات، دهی سلطه اقتصادی و فرهنگی و انتقال از زندگی دامداری و کشاورزی و ایجاد دولت و شهر نشینی قادرند بخش از آسیبهای موجود در جنبش اسلامی افغانستان را توضیح دهند اما به صورت همه جانبه و در تمام ابعاد نمی توانند جنبش های اسلامی افغانستان را آسیب شناسی کرده و راه حل و راهکاری برای از بین بردن و پیشگیری از آنها ارائه داده و دردها را درمان نمایند.

درباره نظریه تطور نسل آقای مودودی نیز لازم است گفته شود که با این نظریه هم نمی توان جنبش های اسلامی افغانستان را آسیب شناسی کرده و برای درمان دردها و بی سامانی ها و معضلات آن راه حل ارائه داد زیرا این نظریه مشکلات و آسیب های جنبش های اسلامی را در نسل اول اصولاً قابل تصور ندانسته و آنها را در نسلهای دوم و سوم و به ویژه در نسل چهارم جستجو می کند. در حالیکه در جنبش های اسلامی افغانستان اصولاً همان نسل اول و پدید آورنده جنبشها و نهضتها زمینه ها و بسترهای لازم و کافی برای شکست جنبشها را فراهم آورده و بر تمام افتخارات گذشته و دستاوردهای مبارزات مردمی و بومی و توده ها مَهر بطلان و چوب حراج زدند. البته نظریه مودودی بر عامل معنوی و ضعف این عنصر در میان نسلهای انقلابی اشاره داشته و نیز از دو استراتژی تصفیه عناصر ناصالح و جذب عناصر صالح در میان جنبش ها و مشکل آفرین بودن این دو استراتژی برای جنبشها سخنی به میان آمده است که با این دو استراتژی و نیز با پدیده ضعف معنوی و کم رنگ



شدن عوامل اعتقادی وی آنها را بعنوان عوامل ناکامی و عدم موفقیت جنبش‌های مذکور بیان می‌کرد. می‌توان جنبش‌های اسلامی افغانستان را آسیب‌شناسی کرد اما این تمام مشکلات و آسیب‌های جنبش‌های اسلامی افغانستان نبوده و نیست. عوامل اعتقادی و معنوی در آنها هنگام دریافت کمک‌های خارجی (مالی و تسلیحاتی) به شدت تضعیف شد و معنویت از میان آنها رخت بریست و دو استراتژی تصفیه و جذب هم در آغاز و هم بعد از پیروزی آنها بر کمونیستها و اشغالگران آنها را به شدت آسیب پذیر کرده و به اختلافات دامن زد زیرا هنگام جذب نیرو و پذیرش اعضاء برای جنبش‌های پای منافع شخصی، منافع قومی، جغرافیایی و منطقه‌ای و منافع حزبی و گروهی و مذهبی و نیز پای منافع حامیان خارجی و... به میان آمده و هنگام پیروزی همان منافع شدت بیشتری یافته و به صورت پررنگتر خود را متجلی ساخته و به علاوه آنها تسلیم شدن اعضاء حکومت سابق به گروه‌های جهادی و مطرح شدن مسأله قومیت بر شدت هرچه بیشتر آنها افزوده و موضوع پذیرش و جذب ژنرال‌های کمونیستی و جذب عناصر دیگر احزاب و یارگیری در میان جنبش‌های اسلامی به طور کلی رنگ و صبغه‌ای قومی به خود گرفته و جنبش‌ها را دچار آسیب کرد. بنابراین این نظریه هم قادر نیست آسیب‌های جنبش‌های اسلامی افغانستان را به گونه‌ای فراگیر بیان کند. و لذا این نظریه از این جهت دارای کاستی است زیرا مشکلات جنبش افغانستان تنها در تصفیه و جذب اعضاء جنبش و نیز کم رنگ شدن عوامل اعتقادی و معنوی خلاصه نمی‌شود و عوامل دیگری نیز در آن دخیل است نظریه گرایش به الگوی استعماری آقای دکتر صدیقی: این چارچوب نظری جنبش‌های اسلامی افغانستان در مقطع بعد از ورود آمریکا به افغانستان در دهه 80 ه ش و از سال 1380 به بعد که جنبش‌های اسلامی به طور کامل شکست خورده و دست به دامن آمریکا برای شکست جنبش طالبان شدند را می‌تواند آسیب‌شناسی کند. زیرا در این مقطع جنبش‌های اسلامی تن به پذیرش الگوی اندیشه سیاسی غربی یعنی دستیابی به قدرت از طریق انتخابات و مبارزه انتخاباتی را پذیرفتند اما به نظر می

رسد که این دیدگاه قبل از این مقطع را نمی‌تواند آسیب‌شناسی کند مگر آنکه ما بر آن بخش از دیدگاه وی که همانا دوری و فاصله گرفتن از الگوی اسلام و سنت پیامبر (ص) و نیز به حضور و وجود برخی از رهبران غیر روحانی در رأس برخی از جنبش‌ها اشاره و استناد کنیم که این خلاف واقع است. و رهبران روحانی حاضر در رأس برخی از جنبش‌های دیگر و عدم موفقیت آنها نقضی بر این دیدگاه به حساب خواهد آمد. اما باید به این واقعیت تلخ اعتراف کرد جنبش‌های اسلامی در عمل از الگوی اسلامی فرسنگها فاصله گرفته بودند و به اندیشه ناسیونالیستی نه به آن مفهوم که دکتر صدیقی می‌گفت بلکه مفهوم قوم‌گرایی به شدت گرایش پیدا کرده بود و این امر به علاوه عوامل و دلایل دیگر هر چه بیشتر جنبش‌های مذکور را آسیب پذیر کرد.

با توجه به نقد و ارزیابی نظریات پیشین و عدم انطباق کامل و فراگیر آنها بر موضوع رساله حاضر به نظر می‌رسد که بهترین و مناسب‌ترین و در عین حال فراگیرترین نظریه و دیدگاه‌های که با آن به توان جنبش‌های اسلامی افغانستان را آسیب‌شناسی کرد چارچوب و مدل ترکیبی و تلفیق یافته از نظریه محیط - ساختاری قرضاوی و نظریه کارکردگرایی ساختاری می‌باشد. زیرا در نظریه محیط - ساختاری، از آسیب‌ها و چالش‌های نام برده شده است که می‌توان آسیب‌ها و چالش‌ها و نیز آسیب‌های دیگری که در این نظریه از آنها به عنوان آسیب‌ها و چالش‌های جنبش اسلامی یاد شده است را درباره جنبش‌های اسلامی افغانستان به صورت تقریبی و کلی و باکمی جابه‌جایی تطبیق داده و به اجرا در آورد. زیرا مهمترین آسیب‌های موجود در جنبش‌های اسلامی افغانستان به ساختارهای اجتماعی و محیط داخلی و خارجی و کم و بیش به برخی از مؤلفه‌های دیگر بر می‌گردد که در این نظریه به آنها اشاره شده است نظیر قدرت‌گرایی، دنیا‌گرایی، شتابزدگی، تندروی و...

دلیل آن این است که افغانستان کشوری با ساختارهای قومی و مذهبی و ساختار جغرافیایی ویژه ای است و همین ساختارهای قومی و ساختارهای قومی و ساختارهای

مذهبی و... متعدد و متنوع و گرایش شدید و تعصب آمیز مردم این سرزمین به گروه‌های قومی و مذهبی خود به دلیل نبود و یا ضعف هویت ملی واحد و علاوه بر آنها به ضعف ساختارهای اقتصادی و ضعف ساختارهای فرهنگی و فکری زمینه و بسترهای وابستگی افغانستان به دولت‌ها و نهادها سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و فکری و خارجی به ویژه در دوره جهاد و اشغال افغانستان باعث شکنندگی و آسیب پذیری جنبش‌های اسلامی از محیط‌های داخلی منطقه ای و بین‌المللی گردید و همین وابستگی جنبش‌های اسلامی به حامیان خارجی زمینه‌های اعمال نفوذ آنها در مسایل ملی و داخلی را فراهم و ساختارهای مذهبی و قومی و نیز تأمین منافع شخصی، قومی و گروهی و... و همچنین پارامترها و عواملی همچون دنیاگرایی، ضعف برنامه ریزی، واگرایی درونی و تضاد منافع حامیان خارجی فقدان رهبری واحد و فقدان همگرایی میان گروه‌های قومی مذهبی و امثال این‌ها همگی دست به دست هم داده و جنبش‌های اسلامی را آسیب پذیر کرد. نظریه کارکردگرایی ساختاری: در برخی از موارد و برای تبیین و توضیح برخی از مؤلفه‌ها و عناصر و عواملی که به وسیله نظریه محیط - ساختاری ممکن و مقدور نباشد از نظریه تحلیلی کارکردی استفاده کرده و بهره خواهیم برد.

اما برای تبیین آسیب‌های جنبش‌های اسلامی افغانستان نظریه محیط - ساختاری چارچوب نظری مناسب و فراگیر بوده و لذا ما در صددیم که با تأکید بر این نظریه جنبش‌های اسلامی افغانستان از 1357 تا 1380 را آسیب شناسی کنیم. هرچند که از بخش‌های از نظریه کارکردگرایی به ویژه دیدگاه مرتون و مفاهیمی را که وی مطرح کرد نظیر مفهوم کژ کارکرد و یا مفهوم کارکرد پنهان و تمایز آن از کارکرد آشکار و نقد وی بر سه اصل مهم و محوری کارکردگرایی نیز می‌توان برای آسیب‌های جنبش‌های اسلامی افغانستان استفاده کرده و بهره برد.



# بخش دوم:

ساختارهای مذهبی و قومی جامعه افغانستان  
و عوامل محیطی

## فصل اول:

### ساختار قومی - مذهبی و عوامل محیطی

#### ۱- ساختار قومی و قبیله‌ای جامعه افغانستان

برای آگاهی و اطلاع از آسیب‌های جنبش‌های اسلامی افغانستان و تحلیل درست، از آسیب‌های موجود و نهفته در پیکره جنبش‌های مذکور لازم است اطلاعات و شناختی هر چند اندک و اجمالی از تنوع و تعدد قومی و قبیله‌ای این کشور داشته باشیم و همین آگاهی و شناخت ما از تعدد و تنوع قومی ما را به ریشه برخی از مشکلات رهنمون می‌گردد. بر خلاف برخی از کشورها افغانستان از معدود کشورهای جهان است که در آن قبایل، اقوام و طوائفی مختلفی و بعضاً ناهمگونی سکونت داشته و به سر می‌برند. برخی گفته‌اند: این کشور در طول تاریخ خود محل تلاقی اقوام گوناگونی بوده... و مهمترین گروه‌های قومی این کشور نیز عمدتاً از اعقاب اقوام مهاجمی هستند که طی قرن‌ها به این سرزمین تاخته‌اند و در ایل‌ها و قبایل اصلی افغانستان ویژگی‌های به چشم می‌خورد که از دراویدهای نخستین (اولین قوم ساکن در این کشور)، آریائیها، پارسیها، یونانیها، هونها، مغول‌ها، و ترکها باز مانده است.<sup>۱</sup>

برخی گفته‌اند: به لحاظ قومی افغانستان را می‌توان ترکیبی از ملل و کشورهای همسایه، شرقی و غربی جنوبی و شمالی دانست.<sup>۲</sup> همین تعدد و تکثیر اقوام و قبایل و نیز فقدان راهکارها و راهبرد انسجام بخش به دلیل ساختار قومی دولتهای حاکم بر افغانستان موجب شده است که روند و پروسه ملت‌سازی و ایجاد هویت ملی واحد در این کشور نتواند بحران مربوطه را با موفقیت پشت سر بگذارد. زیرا با گذشت قرن‌ها از موجودیت کشور موسوم به افغانستان و نیز گذشت سالیان متمادی از اعلام استقلال این کشور تاکنون هویت

1 مری لوئیس همان ص 49

2 جمعی از نویسندگان، افغانستان؛ ترجمه سعید ارباب شیرانی و هوشنگ اعلم ص 47

ملی مشترک و مورد پذیرش که تمام اقوام و ملیت های ساکن در این سرزمین را شامل گردد شکل نگرفته است و بر این اساس است که در این کشور هویت های پراکنده قومی، محلی و حتی خانوادگی و مذهبی جایگزین هویت ملی گردیده است. هویت ملی گردیده است. اگر هویت به مفهوم هستی و وجود و به مجموعه فضایل فردی و خصوصیات رفتاری که از روی آن فرد به عنوان یک گروه اجتماعی شناخته می شود از دیگران متمایز می گردد، اطلاق شده و با خصیصه احساس هم بستگی با اجتماع بزرگ ملی و قومی و آگاهی و احساس وفاداری و فداکاری در راه آن، شناسایی می گردد.<sup>1</sup> در افغانستان به دلیل ساختار ویژه قومی این احساس در مورد قبیله، ایل و تبار و قوم شدیدتر از احساس همبستگی با اجتماع ملی مشاهده می گردد بدین ترتیب آنچه تاکنون در این کشور نمود عینی داشته است هویت های پراکنده، و قومی و قبیله ای به جای هویت ملی بوده است. از آنجا که جامعه افغانستان دارای ساختار قومی و قبیله ای است طبیعی است که فعل و انفعالات ساختار سیاسی و گردش قدرت سیاسی تنها در درون قوم و قبیله خاصی انجام می پذیرد بر این اساس نظام سیاسی در این کشور به جای ارتباط با نظام اجتماعی بیشتر با زیر نظام های جمعیتی در قالب قوم و قبیله مرتبط بوده است.<sup>2</sup> و همین امر مشارکت سیاسی همه شهروندان و از همه اقوام و قبایل و گروههای مذهبی و قومی را نه تنها کاهش بلکه مسدود کرده و این اجازه نداشتن فعالیت سیاسی دیگر اقوام و گروهها از سوی قوم حاکم (پشتون) همواره باعث ایجاد بدبینی و سؤظن اقوام محروم از حاکمیت به ساختارهای سیاسی و دولت گردیده و در واقع موجبات جدایی و فاصله افتادن میان حاکمیت و دیگر اقوام را فراهم آورده است دقیقاً به همین علت است که هرگاه اقوام محروم از مشارکت در قدرت و سیاست حاکمیت را در سرراشویی زوال و سقوط می دیده اند از فرصت بدست

1 رک ، احمد ، اشرف ، هویت ملی و قومی فصلنامه گفتگو ش 3 ص 10-9 نیز ربانی جعفر هویت ملی نیز جمعی

از نویسندگان ؛ افغانستان و نظام سیاسی آینده ص 25

2 برای مطالعه بیشتر رک ، سید عیدالقیوم سجادی ، جامعه شناسی سیاسی افغانستان ص 52-91

آمده برای رهایی خود از زیر سلطه استبداد قومی تلاش می کرده‌اند و همین تلاشهای اقوام محروم برای پاره کردن زنجیرهای استبداد قومی و تلاش قوم در رأس قدرت و حاکمیت برای جلوگیری و ممانعت از رهایی و در زیر سلطه قرار داشتن آنها منازعات مناقشات خشونت باری بر مردم این کشور تحمیل کرده است. به هر حال همانگونه که در گذشته گفته شد افغانستان به دلیل تنوع اقوام و قبایل به عنوان یک موزه بزرگی از نژادهای، ملل و قبایل و طوایف گوناگونی محسوب می شود.<sup>1</sup> زیرا در این سرزمین مردمانی از نژادهای پشتون، تاجیک، ازبک، هزاره، ترکمن، هندو، سیک کشمیری و... سکونت و اقامت دارند نویسندگان و افغانستان شناسان که درباره افغانستان و اقوام و ملل و... این سرزمین و برای معرفی و شناسایی آنها دست به قلم برده اند به ویژه در مورد گروههای قومی این کشور به نتایج بسیار متفاوت و دارای اختلافی دست یافته و آنها را در نوشته‌هایشان منعکس کرده اند.<sup>2</sup>

از جمله این نویسندگان اروین اریوال و همکارانش می باشند آنها 55 نام قومی را در افغانستان شناسای کرده اند و خاطر نشان می سازد که گروههای قومی و هویت قومی مقوله های محلی اند (Emic) نهاد خویشاوندند، متغیر و پویا وی از گروههای قومی ذیل در افغانستان نام برده است: عرب (عرب زبان)، عرب (فارسی زبان)، ایماق، بلوچ، بلوچ (جت - بلوچ) براهوئی، اشکاشیمی، فارسیوان، فیروزکوهی، گاورباتی، غربت، گوجار، هزاره، هزاره سنی، هندو، قیرقیزه، مغول، تاجیک کوهستانی، نورستانی، قزاق، قبیچاق، ترکمن، تاتار، ازبک، پشتون، یهودی و...<sup>3</sup>

همان طور که خود ایشان گفته است این فهرست قومی در واقع بیانگر هویت محلی اند تا بیانگر واقعی اقوام موجود و ساکن در افغانستان برخی دیگر شماره گروههای قومی در

1 فهمی، هویدی، همان

2 رک، مری لوئیس، همان ص 49، تا 68 نیز فرهنگ همان، علی آبادی همان و....

3 جمعی از نویسندگان، افغانستان طالبان و سیاستهای جهانی ترجمه عبدالغفار محقق ص 226

این کشور در حدود 138 قوم و قبیله افزایش داده و شمرده است.<sup>1</sup> اما ناگفته پیداست که همه این اقوام در تحولات سیاسی و اجتماعی و تاریخی این کشور تأثیر گذار نبوده و نیست بلکه برخی از اقوام مذکور توانسته‌اند در تحولات سیاسی و.. ایفای نقش کنند و لذا ما از مطرح کردن اقوام غیر تأثیر گذار خودداری کرده و عمده‌ترین اقوام تأثیر گذار را معرفی کرده و فهرست می‌کنیم.

### ۱ - پشتونها

پشتونها بزرگترین قوم و قبیله افغانستان و اولین گروه قومی این سرزمین شمرده شده‌اند درباره اصل و منشأ قومی آنها دیدگاه‌های مختلفی ابراز شده‌اند. برخی آنان را از نسل اقباط مصری، برخی از اولاد ضحاک و برخی دیگر از فرزندان بخت النصر دانسته‌اند اما خود آنها بر این باورند که پشتونها یکی از اسباط مفقوده بنی اسرائیل هستند.<sup>2</sup> که البته این نظریه شبیه افسانه‌های مجعلی است که برخی برای بیان شجره‌نامه و اصل و ریشه قومی خود بیان کرده و می‌کنند. هر چند منشأ قومی پشتونها به وضوح و روشنی معلوم نیست اما برخی احتمال داده‌اند که آنها از شاخه‌های آریاییها بوده باشند زیرا زبان پشتو نیز از شاخه زبانهای آریایی (یا ایرانی) و از خانواده زبانهای هند و اروپایی است.

به لحاظ موقعیت جغرافیایی پشتونها عمدتاً در شرق و جنوب و بعضاً در شمال و غرب کشور بسر برده‌اند و زندگی می‌کنند. عده از آنها در دوره عبدالرحمن خان در نقاط مختلف کشور و برای شکستن اکثریت قومی آن مناطق و با تصرف زمینهای اقوام دیگر به ویژه سرزمین های قوم هزاره اسکان داده شدند جمعیت آنان در حدود 50٪ کل جمعیت افغانستان تخمین زده شده و برآورد می‌گردد تقریباً عده ای معادل همین میزان از جمعیت ایشان در آن سوی مرزهای شرقی و در ناحیه شمال غربی پاکستان زندگی می‌کنند. اکثریت

1 ملا فیض محمد کاتب هزاره نژاد نامه افغان ص 21

2 مری لوئیس همان ص 51-50



قریب به اتفاق این قوم، پیرو مذهب حنفی یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنتند. اما در میان این قوم پیروانی از مذهب شیعه و پیروانی از وهابیت نیز وجود دارد.

علی رقم موارد اختلافی و آنچه که در واقع وجود دارد و مورد اجماع و توافق نیز است دو نکته درباره این قوم است یکی اینکه پشتونها در مقایسه به دیگر اقوام موجود در این کشور از کثرت برخوردارند دیگری آنکه به لحاظ سیاسی این قوم همواره به جز یکی دو مورد استثناء حاکمیت و قدرت سیاسی و دولتی را در قبضه خود داشته‌اند و هنوز این حس برتری سیاسی حاکمیت و قدرت سیاسی و دولتی را در قبضه خود داشته‌اند و هنوز این حس برتری سیاسی و انحصار گرایی و انحصار طلبی در میان مردم و برخی از جنبشهای اسلامی این قوم احساس شده و به چشم می‌آید. پشتونها به لحاظ ترکیب و ساختار درون قومی به دو طایفه و ایل بزرگ غلزایی و درانی تقسیم می‌گردند که از هنگام تشکیل دولت و جدایی و استقلال از ایران همواره نوعی رقابت بر سر دستیابی به قدرت و تصاحب حکومت میان این دو قبیله وجود داشت که گاهی رقابتها تبدیل به منازعه شده و خصومتها و جنگ های قومی و قبیله‌ای متعدد و طولانی مدتی را به دنبال داشته است زیرا از هنگام تأسیس افغانستان در سال 1126 هـ / 1747 م بدست احمد خان بدالی حکومت بدست درانی ها بود که خود به دو تیره سدوزایی و بارک زایی تقسیم می‌گردد. سدوزایی از 1747 تا 1818 زمام قدرت را در دست داشتند و از 1818 حکومت مرکزی تحت سلطه قبیله بارک زایی در آمد.<sup>1</sup> اما قبیله غلزایی را مردمان صحرا گردی معرفی کرده اند که بیشتر بدنبال پرورش حیوانات بوده اند.<sup>2</sup> بر خلاف قبیله درانی که تمام پادشاهان افغانستان از میان آن برخاسته بودند و انحصار قدرت و حاکمیت را در دست خود داشتند. هر چند که قبیله و ایل غلزایی در کنار ایل درانی در قدرت سهیم بود و در ساختار حکومت تعامل مشارکت

1 علی آبادی همان ص 14-15 مری لوئیس همان ص 54-52

2 همان منابع

داشته اند اما هیچ گاه موفق نشده است که قدرت و دولت را به صورت انحصاری همچون قبیله رقیب در اختیار خود بگیرد مگر در سال 1357 با کودتای مارکسیستی که قدرت در اختیار این قوم و قبیله قرار گرفت زیرا نور محمد ترکی منتسب به قبیله غلزایی بوده و از این ایل محسوب می گردید که با سقوط سلسله بارک زایی حاکمیت و قدرت را در اختیار گرفته بود.

## ۲- تاجیک‌ها

تاجیک‌ها به لحاظ موقعیت اجتماعی و سیاسی دومین گروه قومی در افغانستان محسوب می شوند آنان فارسی زبان (دری) و از نظر برخی محققان ایرانی تبارند. تاجیک‌ها در قسمت‌های شمال شرقی، غرب و جنوب شرقی، و دیگر مناطق پراکنده اند مردمانی عمدتاً شهر نشین هستند که تا حدودی زندگی ایلی و قبیله ای را رها کرده اند و بیشتر آنها زندگی خود را از راه کشاورزی و دامداری اداره می کنند و نسبت به تاجیک بودن خود بسیار خوشحال هستند و به آن مباهات می کنند. هر چند مردم آرام به نظر می رسند اما همچون پشتونها و هزاره‌ها و دارای روحیه دشمن ستیزی شدیدی هستند از دیدگاه مفسران هم چون رژوزف کولینز و جان گریفیتز که گفته اند: تاجیک‌ها در حال حاضر مردمان صلح دوست و شاعر مسلک، رویائی و عاقل و منطقی و... به نظر می رسند. اما گنجایش وحشی گری و سیتزه جویی در آنها بسیار زیادند.<sup>1</sup> آنها برغم روشهای انحصار گرایانه پشتونها به طور محدود در ساختار قدرت سیاسی سهیم بوده و گهگاهی توانسته اند که برای مدتی هر چند کوتاه زمام قدرت و حکومت را نیز در اختیار خود در آورند نظیر بچه سقا که در 1929 به مدت 9 ماه در افغانستان به قدرت رسید و برهان‌الدین ربانی رئیس دولت به اصطلاح اسلامی مجاهدین 1371 که هر دو نفر تاجیک بودند.

## ۳- هزاره‌ها.

1 رک ، علی آبادی همان ص 18 ، نیز مری لوئیس همان. نیز آلیور و بریگو. آندره ه ، جنگ افغانستان

هزاره ها که تقریباً 20٪ از کل جمعیت افغانستان را تشکیل می دهند عمدتاً در مرکز افغانستان و در دامن کوهها و کوهپایه های افغانستان مرکزی و ارتفاعات هندوکش سکونت دارند. جای که به هزاره جات موسوم و مشهور است به لحاظ نژادی و اصل و ریشه قومی آنها اجماع و توافق نظری وجود ندارند برخی از محققان آنها را از بازماندگان قوم مغول یا از اعقاب نیروهای به شمار می آورند که چنگیزخان در افغانستان گماشته بود. برخی دیگر نیز بر حضور هزاره ها در افغانستان را مربوطه به مدتها قبل از حمله مغول می دانند برخی دیگر معتقدند که هزاره ترکیبی از نژادهای مختلف به ویژه ایرانی و مغولی می باشند.<sup>1</sup>

به هر حال و صرف نظر از مباحث مربوط به ریشه های تاریخی و نژاد شناسی هزاره ها به لحاظ مذهبی عمدتاً پیرو مذهب شیعه امامیه دوازده امامی هستند و از حیث زبانی به فارسی دری سخن می گویند در دهه 1890 و بر اثر سیاستهای ظالمانه و نژاد گرایانه عبدالرحمن هزاره ها از املاکشان محروم شدند و بسیاری از آنها در سالهای 1257 تا 1280 به سمت پاکستان و ایران مهاجرت کردند و به لحاظ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، مذهبی، در انزوای کامل بوده و شدیدترین و بی رحمانه ترین سیاستها تبعیض آمیز را متحمل شده اند هر چند بعد از کودتای 7 ثور به این سو آنها آزادی بیشتری تجربه کرده اند.

#### ۴- ازبکها:

ازبک ها مردمانی ترک تبار و از اعقاب ترکان زرد پوست آسیای مرکزی محسوب شده اند که در نواحی و قسمت های شمالی افغانستان به سر می برند که عمدتاً در شهرهای مزار شریف، شبرغان، میمنه، خان آباد و قندوز و.... سکونت دارند.<sup>2</sup> جمعیت آنان تا یک و

1 برای مطالعه بیشتر رک ، سید عسکر موسوی هزاره های افغانستان ترجمه اسدالله شفایی نیز مری لوئیس همان ص 58 و علی آبادی همان ص 19 نیز بختیاری شیعیان افغانستان

2 مری لوئیس همان ص 59 علی آبادی همان ص 22 نیز افغانستان طالبان و سیاستهای جهانی ترجمه محقق

نیم میلیون نفر تخمین شده و برآورد می شوند. ازبکها بیشترشان به فعالیتهای کشاورزی و دامداری اشتغال دارند و برخی از آنها در امور تجاری و پیشه‌وری نیز فعالیت دارند به لحاظ زبانی آنها زبان اولی و نخستین این قوم بوده و ترکیبی و گویا لهجه از زبان ترکی می باشد. ازبکها هم چون سایر اقوام تحت فشار و تجاوز بوده اند و خشونت پشتونها نسبت به آنها سبب گرایش و تمایل آنها به سوی ازبکستان گردیده است. و به لحاظ سیاسی همانند هزاره ها و دیگر اقوام همواره از قدرت و حاکمیت به وسیله قوم پشتون محروم بوده و دور نگهداشته شده است و به لحاظ اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی همواره مورد ظلم و سیاستهای تبعیض گرایانه پشتونها بوده اند. هر چند که معدن گاز طبیعی افغانستان در شیرغان نزدیک مزار شریف و در قلب منطقه ای ازبک نشین واقع است که می تواند منبع مفید اقتصادی برای آنها محسوب شود اما گاز طبیعی این منطقه به شوروی فروخته شده است. به هر حال از هنگام جدایی افغانستان از ایران از میان اقوام و قبایل ساکن در افغانستان تنها یک گروه قومی آن هم به گونه انحصاری و بدون قایل شدن حق مشارکت برای دیگر اقوام یعنی قوم پشتون زمام قدرت و حکومت را در اختیار خود داشته است و سایر اقوام، قبایل و نژادها هیچ نقشی مهمی را عهده دار نبوده اند و همین امر را برخی از دانشمندان و صاحب نظران به عنوان عامل و ریشه مخاصمات و منازعات داخلی این کشور و نیز از عوامل و دلایل عدم رشد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه افغانستان ارزیابی کرده اند زیرا همواره تا (1371) اعضا و مقامات دولتی، استانداران و فرمانداران، و... از میان قوم پشتون برگزیده می شدند و سایر اقوام و قبایل خود را محروم و زیر دست آنها دیده و از همین روی اداره کشور به وسیله پشتونها برای قبایل و اقوام محروم این احساس را ایجاد کرده که افغانستان کشوری پشتونها بوده و برای تأمین منافع آنها ایجاد شده و به وسیله آنها اداره می گردد. و سایر اقوام قربانی مطامع و منافع آنها می باشند لذا برای قبایل و اقوام محروم دلایلی جهت همکاری با دولت و اطاعت از آن وجود ندارد و همین عدم

همکاری میان دولت و ملت زمینه‌های رویارویی آنها را فراهم کرده و پای بیگانگان و همگرایی اقوام با آنها و موجبات مخاصمات و منافعشان داخلی و گرایش و تمایلی اقوام محروم به خارج از کشور برای تأمین منافع و احقاق حقوق خود را بیشتر فراهم می‌آورد که به حل موضوع نه تنها کمک نکرده بلکه بر شدت بحرانها افزوده و باعث وسعت آن می‌گردد.

# بخش سوم:

جنبشهای اسلامی افغانستان

## مقدمه:

مبارزه، مقاومت و ایجاد جنبشهای دینی و مذهبی و سیاسی به مفهوم عام و فراگیر آن از دیر باز در افغانستان وجود داشته و بوسیله ی علمای دینی و رهبران مذهبی همواره ایجاد، راه اندازی، هدایت و رهبری می شده است که تاریخ افغانستان چه پیش از جدایی از ایران و چه پس از آن مملو و مشحون از این ستیزه ها، پیکارها، و مقاومتها و مبارزات و مجاهدتها بوده اند به گونه ای که دوره ای را نمی توان پی جست که در این سرزمین از این نوع مبارزات آزادیخواهانه و اسلام گرایانه وجود نداشته باشند. هرچند که مبارزات مردم این سرزمین به رهبری علما و روحانیون دینی کشور تا سال 1343 به شیوه ی سنتی و در مقابل حکام جور و سرسپردگان و دست نشانندگان استعمارگران اعمال شده و مطالبات و خواسته های سیاسی نظیر تغییر ماهیت حکومت و دستیابی به قدرت و ایجاد حکومت اسلامی بر مبنای فلسفه و اندیشه ی سیاسی، دینی و مذهبی را دنبال نمی کردند چون هیچ طرح و اندیشه ای سیاسی استنباط شده از منابع اسلامی را در دستور کار خود نداشتند و بیشتر در صدد حفظ حکومت به ظاهر اسلامی و مطیع و مورد تایید علماء بودند و تا هنگامی که ضدّ اسلامی بودن شاه و دولت، حکومت، سیاستها و برنامه هایشان احراز نمی گردید از سوی علما و مردم مخالفت، تضاد و ستیز، و جنگ و مناقشه ای علیه دولت ابراز نمی گردید. اما هنگامی که احساس می شد که دولت و حکومت در راستای سیاستهای دولتهای بیگانه و استعمارگر و در ضدّیت و حتی بی اعتنائی و بی احترامی و بی توجهی به اسلام و قوانین اسلامی و اصول اخلاقی و سنت و سیره ی پیامبر (ص) قدم برداشته و سیاستها و برنامه های مغایر و متضاد با اسلام و فرهنگ اسلامی و تأمین کننده منافع و مصالح دولتهای بیگانه و غیر اسلامی در جامعه را به مورد اجرا می گذارند بلافاصله و بی درنگ در مقابل این سیاستهای تحمیلی تأمین کننده ی منافع بیگانگان و مغایر با اسلام و منافع مسلمانان اقدام به موضعگیری کرده و ایستادگی را از خود به نمایش می گذاشتند نظیر مقابله و ایستادگی در برابر تحمیل حکام دست نشانده از سوی انگلیسها و نیز ایستادگی در مقابل تهاجمات و تجاوزات انگلیسی ها (جنگ های اوّل و دوّم و سوّم

انگلیس علیه افغانستان) و نظیر ایستادگی علماء و مردم در برابر دولتهای کودتائی کمونیستی 7 ثور 1357 و مورد حمایت دولت اشغالگر شوروی و تقدیم هزاران شهید و صدها هزار معلول و مجروح و میلیونها نفر آواره در برابر سیاستهای ضد اسلامی دولت کمونیستی از خود مقاومت و ایستادگی جانانه و دلیرانه به نمایش گذاشته و کشتی رویاهای آنها را به باتلاق نشانیده و به نابودی، هزیمت و اضمحلال دچار و گرفتار ساختند به گونه ای که خیلی زود آثار یأس و ناامیدی و پشیمانی و ندامت بر چهره ی سران کرملین ظاهر شده و در همان سالهای اولیه تهاجم وحشیانه ی و ددمنشانه ی خود به این سرزمین بدنبال راه حل آبرومندانه ی خروج از افغانستان بودند تا خود را از گرفتار شدن در این باتلاق هولناک اراده های مصمم و قاطع دلیر مردان این سرزمین رهایی یابیده و به خاک و سرزمین خود برگردند. نوع و شیوه ی دیگر از مبارزه که در افغانستان همچون دیگر کشور های اسلامی رایج گردیده مبارزه موسوم و معروف به مبارزه ی سیاسی به دوگونه ای رادیکالی و میانه روانه یا انقلابی و اصلاح طلبانه می باشد که در این نوع از مقاومتها و مبارزات جنبشهای رادیکال و اصلاح طلب در واقع یکی در پی تغییر ماهیت دولت و قدرت و دستیابی به حاکمیت از طریق اعمال زور و دیگری درصدد دستیابی به قدرت یا تغییر و اصلاح برخی رفتارهای دولت به طریق مسالمت آمیز می باشند در افغانستان نیز ما شاهد مبارزانی که به شیوه ی سنتی و مدرن در صدد اعمال سیاستهایشان بودند هستیم هرچند که مبارزه به سبک جدید یعنی داشتن اهداف سیاسی، راهکارها و راهبردها و برنامه های سیاسی برای دستیابی به قدرت و حاکمیت از دوره صدارت داوود خان در دهه ی 40 مطرح و با کودتای کمونیستی و تهاجم شوروی دهه ی 50 بر شدت آن افزوده شده و به عرصه ی عمل در آمد.